

۱۹ بهمن

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۳۷ - ۱۵ آذر ۱۳۸۴



۵ سال گذشته به حدود ۵۱ میلیارد دلار سر می‌زند که حاکی از یک روند صعودی چشمگیر می‌باشد. مطابق همین گزارش، در حالی که واردات اتحادیه اروپا از ایران (که عمدتاً نفت و گاز است) در فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ فرق چندانی ننموده، صادرات دولت‌های این اتحادیه در طول همین مدت از ۶ میلیارد و ۴۹۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به رقم ۱۴ میلیارد و ۲۰۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته که نمایانگر یک رشد تقریباً ۱۳۰ درصدی است.

در همین رابطه آمارهای منتشره از سوی گمرک جمهوری اسلامی، حاکی از رشد صعودی واردات کالا توسط حکومت از کشورهای امپریالیستی است. مطابق این آمارها، تنها در **۷ ماهه نخست** سال جاری، رقم واردات ایران به ۲۱ میلیارد و ۷۳۶ میلیون دلار رسیده که نسبت به دوره مشابه سال گذشته، حاکی از یک افزایش ۱۲/۷ درصدی است. از سوی دیگر، مطابق ارقامی که "مرکز آمار اتحادیه اروپا" در ماه جولای در رابطه با حجم مبادلات تجاری خود با جمهوری اسلامی منتشر نموده، آمده است که صادرات اتحادیه اروپا به ایران در ظرف

واردات بی‌رویه در خدمت کیست؟

محروم و زحمتکش ما را به ویرانی کشانده است. در حقیقت افزایش متناوب واردات کالاهای غیرتولیدی و مصرفی، یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد وابسته ایران است که رژیم‌های سرسپرده پهلوی و جمهوری اسلامی با سیاست‌های اقتصادی ضدخلق‌ی خویش با شتاب در جهت تحکیم و ساختاری نمودن آن حرکت نموده‌اند.

یکی از سیاست‌های به غایت ضدخلق‌ی‌ای که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت سپاه خود به تعقیب آن مبادرت ورزیده، افزایش بی‌رویه واردات کالاهای امپریالیستی مصرفی به بازارهای ایران می‌باشد که اثرات ویرانگری در کل اقتصاد بجا نهاده و در نتیجه مستقیماً زندگی و معاش میلیون‌ها تن از توده‌های

(ادامه در صفحه ۲)

محکوم کرد. مطابق احکام دادگاه انقلاب اسلامی حکومت، محمود صالحی به اتهام شرکت در تجمع غیرقانونی و تدوین جدول برای هزینه خانواده ۵ نفره به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهرستان قروه محکوم شده است. دستگاه قضایی حکومت همچنین سید جلال حسینی را به اتهام شرکت در تجمع غیرقانونی به ۳ سال و محسن حکیمی، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر را با اتهامات مشابه به ۲ سال زندان محکوم نمود.

احکام بیدادگاه‌های حکومت

بر علیه فعالین کارگری محکوم است!

روز ۲۱ آبان ماه، بیدادگاه‌های رژیم جمهوری اسلامی در سقز، پس از یک محاکمه طولانی و نمایشی، چند تن از فعالین کارگری دستگیر شده در مراسم اول ماه مه ۲۰۰۳ را به زندان

(ادامه در صفحه ۲)



نابودی هزاران جلد کتب تاریخی

در دانشکده حقوق تهران

آورده بود، شاهد زنده ای از روند تحولات و رخدادهای سیاسی جامعه نیز بود. اسناد موجود در این کتابخانه از جمله کتب و اسنادی در مورد به قدرت رسیدن و سقوط دولت زنده یاد دکتر محمد مصدق، اعتراضات گسترده مبارزات

تهران است که در اوایل دهه ۱۳۱۰ شمسی، یعنی بالغ بر هفتاد سال قبل تأسیس شده است. این کتابخانه جدا از اینکه بیش از هفتاد سال بهترین مجموعه‌های کتابهای حقوقی و سیاسی را در خود گرد

کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۸۴، در ساعت ۴:۳۰ دقیقه بامداد دچار حریق گشته و خسارات جدی ای بدان وارد گشت. در جریان این حادثه، کتابهای مرجع بطور کامل سوخته و کلیه دایره‌المعارفها و کتابهای قدیمی و جدید که در این محل نگهداری می‌شدند یا بطور کامل از بین رفتند و یا اینکه بشدت آسیب دیدند.

دانشکده حقوق یکی از اولین دانشکده‌های دانشگاه

توده‌ها در طی سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲، و نهایتاً انقلاب و قیام مسلحانه توده‌ها در طی سالهای ۱۳۵۷-۵۶، را در بر می‌گرفت.

(ادامه در صفحه ۳)



واردات بی‌رویه در خدمت کیست؟

بقیه از صفحه ۱

نگاهی گذرا به آمار فوق قبل از هر چیز نمایانگر این واقعیت است که در دوران سلطه جمهوری اسلامی و بویژه در سال‌های اخیر، در اثر سیاست‌های رژیم و برخلاف ادعاهای فریبکارانه سران آن مبنی بر تشویق تولید و ایجاد شغل، روند تبدیل کشور ما به یک بازار مصرف پرسود برای کالاهای مصرفی و عمدتاً بنجل دولتی‌ها و کمپانی‌های امپریالیستی با سرعت ادامه یافته است. اعمال این سیاست ضدخلقی از یک سو باعث شده تا جیب‌های گشاد دولت و نهادهای وابسته به آن، سرمایه‌داران وابسته و تجار بزرگ و زالوصفت هرچه بیشتر انباشته گردد و از سوی دیگر با ورود انبوه کالاهای اشباع بازار، میلیون‌ها تن از صاحبان تولیدات سنتی و خرد، صاحبان مشاغل کوچک تولیدی، کشاورزان و... که در درجه اول قدرت رقابت با چنین کالاهایی را ندارند، به خاک سیاه نشانده شوند. در همین رابطه قشر وسیعی از زحمتکشان که حیات و معاش‌شان از کانال کار و فعالیت در چنین رشته‌هایی می‌گذرد نیز محکوم به بیکاری و فنا می‌گردند. در این زمینه نگاهی به اوضاع اسفبار چایکاران (حدافل ۱ میلیون نفر)، کشاورزان، تولیدی‌های نساجی و رشته‌های مشابه در سال‌های اخیر کافیست تا دریابیم که چگونه زندگی و

معاش آنان به دلیل عدم حمایت دولت و در عوض صدور مجوزهای دولتی بی‌رویه توسط سران دزد و فاسد حکومت برای سرمایه‌داران و تجار وابسته ناپود گردیده و با ورود میلیون‌ها تن چای و شکر و البسه و... ای که طیف فوق قدرت رقابت با آن را ندارند، محکوم به ورشکستگی و خروج از دایره تولید و کار و در نتیجه پیوستن به ارتش ذخیره بیکاران بوده‌اند.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که فریادهای "استقلال" و شعارهای ضدامپریالیستی و فریبکارانه‌اش گوش فلک را کر کرده، نه تنها در تمام مدت حاکمیت‌اش کوچک‌ترین گامی در جهت تشویق تولیدات داخلی، گسترش و تقویت کشاورزی و واحدهای تولیدی و قائل شدن تسهیلات و مزایا برای ایجاد اشتغال در این عرصه‌های مهم و کلیدی، به منظور کاستن از وابستگی اقتصاد به قدرت‌های جهانخوار امپریالیستی برنداشته بلکه آگاهانه و سازمانیافته کوشیده است تا ضمن ادامه سیاست‌های اخلاف خویش در رژیم سرسپرده شاه، با تخریب و انهدام بقایای تمامی ساختارهای غیروابسته، و با تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته، بازار ایران را هرچه بیشتر به محل تاخت و تاز انحصارات و دولت‌های جهانخوار امپریالیستی تبدیل نموده و شرایط را برای حرکت بهتر سرمایه‌های خانه‌خراک‌کن امپریالیستی در ایران مهیا سازد. با تعقیب چنین سیاست ضدخلقی‌ایست که

ما شاهدیم که چگونه در حالی که مشتری سرمایه‌دار زالوصفت وابسته، تجار بزرگ و آفازده‌ها با استفاده از قدرت دولتی هر روز بیش از پیش فربه و فربه‌تر گشته و جیب‌های خود و اربابان امپریالیست‌شان را پر می‌کنند، در همان حال میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان و اقشار وسیع خرده‌بورژوازی به رغم وجود انبوه منابع طبیعی و ثروت‌های ملی، محکوم به بیکاری و گرسنگی و "کارتن خوابی" و زیستن در زیر خط فقر می‌گردند.

رژیم وابسته جمهوری اسلامی با حراج نفت و گاز به دولت‌ها و کمپانی‌های امپریالیستی، در سال‌های اخیر چیزی حدود ۳۰ میلیارد دلار به طور متوسط بدست آورده است. بخش بزرگی از این درآمد کلان بجای هزینه شدن در راه رشد اقتصادی و رفاه توده‌ها، برای برآوردن نیاز کمپانی‌ها و دولت‌های جهانخوار امپریالیستی مستقیماً صرف خرید تسلیحات و ابزار و آلات نظامی گشته و در خدمت ایجاد و تقویت یک ماشین جنگی غول‌پیکر و ضدخلقی قرار می‌گیرد که در تحلیل نهایی اساساً در خدمت منافع امپریالیست‌ها در منطقه و برای سرکوب توده‌ها و جنبش‌های انقلابی آنهاست. قسمت دیگری از این درآمدهای نفتی نیز صرف پرداخت بهره‌های کمرشکن فرض‌های اسارتباریست که جمهوری اسلامی ضدخلقی از بانک‌ها و موسسات مالی همین قدرت‌های بزرگ

امپریالیستی وام گرفته و مردم ما را تا خرخره در استقراض‌های خارجی فرو برده است. بخش مهم دیگری از باقیمانده این درآمد هم بابت صدور کالاهای مصرفی و تجملی که هیچ نقشی در روند تولید و تقویت پایه‌های اقتصاد ندارند و اساساً روند ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان خرد و زحمتکش را تسریع می‌کنند، توسط کمپانی‌های صادرکننده آن کالاهای بلعیده می‌شود. در چنین چارچوبیست که ما شاهدیم که به رغم افزایش بی‌سابقه قیمت نفت در سال‌های اخیر و افزایش درآمدهای نفتی رژیم، رقم قرض‌های خارجی کوتاه‌مدت جمهوری اسلامی ۴۰ میلیارد دلار اعلام شده است و این در شرایطی است که به گفته خود مقامات جمهوری اسلامی تمام ذخایر ارزی موجود تنها برای ۷-۸ ماه واردات کالاهای ضروری جامعه کفاف می‌کند. چوب حراج زدن به منابع نفت و گاز، ثروت‌های ملی‌ای که امکان جایگزینی نیز ندارند، از طرف رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در چنین شرایطی صورت می‌گیرد.

این، توصیف موجزی از سیمای ضدخلقی و بیمار نظام سرمایه‌داری وابسته در کشور ماست که رژیم مزدور جمهوری اسلامی در رأس آن نشسته و با توسل به دیکتاتوری، سرکوب و قهر و شکنجه و زندان از موجودیت طفیلی آن به نفع امپریالیست‌ها پاسداری نموده و آن را از تعرض جنبش انقلابی توده‌ها حفظ می‌نماید.

بیدادگاه حکومت در شرایطی به صدور چنین احکام سنگینی برعلیه فعالین کارگری دست می‌زند که کارگران ایران در چارچوب نظام دیکتاتوری حاکم و شرایط مشقت باری که جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران زالوصفت حاکم برای آنان آفریده‌اند، کمرشان در زیر فقر و بیکاری و گرسنگی و بی حقوقی خم شده است و هرگونه اعتراض ساده آنها نسبت به این شرایط طاقت فرسای زندگی و مظالم و بیدادگریهای حکومت، اساساً با قهر و سرکوب، گلوله و زندان و شکنجه و ترور پاسخ می‌گیرد.

ما احکام ضدخلقی بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی بر علیه فعالین کارگری را محکوم نموده و خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری آنها می‌باشیم.

احکام بیدادگاه‌های حکومت

بر علیه فعالین کارگری محکوم است!

بقیه از صفحه ۱

احکام ظالمانه فوق در شرایطی بر علیه فعالین کارگری صادر می‌گردد که آنها به هیچگونه اقدام قهرآمیز و خشونت بار و یا حرکت برای براندازی نظام حاکم دست نیازیده و تنها جرم آنان شرکت و سازماندهی مراسم روز جهانی کارگر در اول ماه مه ۲۰۰۲ بوده است. احکام ضدخلقی فوق قبل از هر چیز نمایانگر ماهیت ضدکارگری جمهوری اسلامی بوده و باید توسط تمامی نیروهای آزادیخواه محکوم گردد.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش!



کتابخانه فوق در طول همه این سالها اکثر کتابهای حقوقی و سیاسی ای که به زبان فارسی نوشته یا ترجمه شده بودند را در خود جای داده بود. در این کتابخانه حتی نشریات و کتبی که از سوی اپوزیسیون رژیم چاپ و منتشر شده بودند و انتشار آنها نیز از نظر قانونی

ممنوع بود، گردآوری شده و در دسترس دانشجویان قرار می گرفت. برخی از نشریات سازمانهای اپوزیسیون نیز که در طی سالهای ۶۰-۵۷ انتشار یافته بود در این کتابخانه موجود بوده و در دسترس دانشجویانی که خواهان تحقیق بودند قرار می گرفت. البته وجود این کتب به معنای دسترسی آزادانه عموم به آنها نبود. بر طبق محدودیتهای دستگاه امنیتی حکومت، این کتابخانه مقررات و ضوابط بسیار سختی را برای قرض دادن کتابها و نشریات داشت.

کتابها طبقه بندی شده بودند و تنها شماری از آنها را می

شد به سیاق معمول کار کتابخانه ها قرض گرفت و به خارج از کتابخانه برد. اما کتابهای بسیار قدیمی و یا نایاب و یا کتابهایی که محتویاتشان از نظر سیاسی تحریک کننده و مخالف قوانین نظام حاکم تشخیص داده می شد را تحت هیچ شرایطی نمی شد از کتابخانه خارج نمود. مضافاً آن که بعضی از کتابها فقط با داشتن دستخط استاد که تأیید می نمود که دانشجوی مزبور در رابطه با تحقیق اش باید کتاب را در اختیار داشته باشد، در اختیار متقاضی قرار می گرفت و او می توانست کتاب را بگیرد و در همانجا مطالعه کند. اگر

دانشجویی قصد فتوکپی از کتاب را داشت، تنها حق داشت که ۵ صفحه از کتاب مزبور را از دستگاه فتوکپی ای که همانجا در اختیار کتابدار بود، کپی نماید.

شایان ذکر است که سهل انگاری آشکار مقامات رژیم در واکنش به این آتش سوزی و از جمله عدم اعزام مأمورین آتش نشانی تا ۲ ساعت بعد از دریافت گزارش آتش سوزی، شکهای جدی ای را در افکار عمومی در مورد عامدانه بودن این حادثه و نقش احتمالی مقامات در آن، موجب شده است.

دهها هزار کارگر آمریکایی و

کانادایی در معرض اخراجند

بقیه از صفحه ۲

کارگری در توضیح تغییراتی که در زندگی او و دیگر کارگران بوجود آمده و خواهد آمد، خطاب به خبرنگار روزنامه دیترویت گفت: "خیلی از کارگران از این اوضاع خشمگینند. آنها می گویند که این، همان چیزی است که انقلابهای گذشته را باعث شد."

در ایالت میشیگان شهرهایی وجود دارند که زندگی ساکنین آنها اساساً به جنرال موتورز بستگی دارد. به عنوان مثال شهرک "بیوک" در شمال شهر فلینت که زمانی ۲۰ هزار کارگر و خانواده هایشان در آنجا زندگی می کردند، در سال ۱۹۹۹ کاملاً خالی از سکنه شد. شهر فلینت که زمانی به "شهر اتومبیل" مشهور بود اکنون به شهری طوفان زده شبیه است و یک چهارم جمعیت فعلی آن نیز زیر خط فقر زندگی می کنند. شهر "لنسینگ" یکی دیگر از شهرهای میشیگان است که بزرگترین ضربه ها را در اثر اخراج های اعلام شده خواهد دید. در سال گذشته ۳ هزار نفر در آنجا اخراج شدند و اعلام شده است که در سال ۲۰۰۷ نیز حدود ۱۸۱۰ نفر در صنعت فلزکاری و توکاری اتومبیل در این شهر بیکار خواهند شد. همچنین در سال ۲۰۰۶ بیش از ۱۰۰۰ نفر نیز در شهر "مورین" اخراج خواهند شد. در شهرهای ایالات جنوبی آمریکا نیز چندین کارخانه جنرال موتورز تعطیل خواهند شد و ۱۵۰۰ کارگر در شهر "سترن" و بیش از ۲۵۰۰ نفر در شهر "اکلاهوما"، و ۳۰۰ نفر در "دورا ویل" اخراج خواهند شد.

در ماه آینده نیز که کمپانی بحران زده فورد (دومین اتومبیل سازی بزرگ آمریکا) نیز برنامه های تعطیل کردن بخش هایی از تولیدات خود و اخراج کارگران را اعلام خواهد کرد، ابعاد این فاجعه در زندگی کارگران آمریکا محسوس تر خواهد شد.

در نتیجه این اخراج ها در ایالت جنوب شرقی کانادا، آنتاریو، ۳۶۵۰ نفر تا سال ۲۰۰۸ اخراج خواهند شد. علاوه بر آن بیش از ۱۲ هزار کارگر تولید قطعات یدکی نیز تحت تأثیر این اخراج ها خانه نشین خواهند شد. طبق آمار رسمی، ۲۵ درصد از کل مشاغل تولیدی کانادا تحت تأثیر صنایع اتومبیل سازی است.

در نظام ظالمانه سرمایه داری، اخراج ها و کاهش حقوق کارگران و کاهش مخارج تولید همزمان با بالا کشیدن منابع مالی توسط مدیریت و صاحبان صنایع که حقوق های میلیونی برای خود در نظر می گیرند و به هر نوع تقلب و فساد مالی دست می زنند، صورت می گیرد. به رغم تمامی ادعاهای صاحبان استثمارگر جنرال موتورز در مورد ضرر و زیان شان اخیراً فاش شده است که میزان درآمد اعلام شده جنرال موتورز در سال ۲۰۰۱ حدود ۴۰۰ میلیون دلار بیش از رقم واقعی آن بوده است. با اعلام این درآمد غیرواقعی، قیمت سهام این کمپانی افزایش یافت و سهام داران بزرگی که در این تقلب شرکت داشتند به سودهای نجومی دست یافتند. گفته می شود که یکی از امپراطوران مالی لاس وگاس، کرک کرکوریان، که صاحب ۱۰ درصد از جنرال موتورز هم هست در جریان بحران جاری قصد دارد که همه این کمپانی را به قیمت حراج بخرد و بعد از مدتی بخش های سودآور آن را بفروشد و جنرال موتورز را به ورشکستگی کامل بکشاند. او در این پروسه به بیلیونها دلار سود خواهد رسید و در عوض ده ها هزار

کارگر بیکار و خود و خانواده هایشان در معرض فقر و گرسنگی قرار خواهند گرفت.

در این میان اتحادیه های کارگری کانادا و آمریکا، بی توجه به عواقب مخرب نقشه های شوم صاحبان جنرال موتورز، به دلیل منافع و دیدگاه های رفرمیستی و سازشکارانه خویش قادر نبوده و نمی خواهند که اعتراضات و مبارزات کارگران را در اعتراض به اخراج سازیهای گسترده سازماندهی کنند.

باید دانست که در سالهای ۱۹۳۰ تا بعد از جنگ جهانی دوم که مبارزات کارگری به اوج خود رسید، کارگران (بخصوص کارگران اتومبیل سازی) توانستند امتیازاتی را از سرمایه داران بگیرند و زندگی متوسطی را برای خود و خانواده هایشان مهیا کنند. اما از حدود ۲۵ سال گذشته، بعد از اخراج های گسترده در کرایسلر (در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰) و تعطیل شدن بخشی از کارخانه ها، روند باز پس گرفتن دستاوردهای مبارزاتی کارگران توسط سرمایه داران و دولت حامی آنان تشدید گشته و حقوق و مزایای کارگران و حقوق بازنشستگی و مزایای درمانی کاهش یافته اند. این هجوم و پیشروی سرمایه داران البته با کمک اتحادیه های کارگری تسهیل گشت. چرا که رهبران سازشکار اتحادیه های کارگری کشورهای صنعتی با تکرار ادعاهای سرمایه داران، کاهش حقوق و مزایای کارگران را به عنوان ضرورت رقابت جهانی توجیه کردند (و می کنند).

بحران فعلی صنایع اتومبیل سازی آمریکای شمالی با افزایش قیمت بنزین و دیگر کالاهای مصرفی، و کاهش تقاضا برای اتومبیل های پرمصرف تشدید شده است. در حقیقت سقوط نسبی جنرال موتورز نمودی از سقوط کل صنایع آمریکا در بازار جهانی است.



دهها هزار کارگر آمریکایی و کانادایی در معرض اخراجند

در روز ۲۱ نوامبر مدیریت جنرال موتورز در شهر دیترویت در ایالت میشیگان اعلام کرد که تا سال ۲۰۰۸ با کاهش تولید و ضرورت کاستن از مخارج تولید، ۳۰ هزار کارگر این کارخانه را اخراج خواهند کرد. این اخراج ها نتایج بسیار ویران کننده ای را برای شهرهای کارگری آمریکا و کانادا در بر خواهند داشت. از سال ۲۰۰۰ تاکنون بیش از ۱۰۰ هزار کارگر کارخانه های اتومبیل سازی آمریکا اخراج شده اند.

جنرال موتورز که در سال ۱۹۰۸ تأسیس شد، در سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به بزرگترین کارخانه اتومبیل سازی جهان تبدیل شده بود. اما در سالهای ۱۹۷۰ اتومبیل های بادوام تر و باصرفه تر ژاپنی و اروپایی وارد بازار شدند و به رقابت با جنرال موتورز پرداختند. از جمله این رقبا به عنوان مثال از تویوتا باید نام برد که احتمالاً در سال آینده پرفروش ترین اتومبیل سازی دنیا خواهد بود. بدین ترتیب کار بجایی رسید که در حال حاضر جنرال موتورز فقط ۲۵ درصد از بازار داخلی آمریکا و ۱۵ درصد از بازار جهانی را در دست دارد. گفته می شود که هر کارگر اتومبیل سازی برای ۷ کارگر صنایع جانبی کار ایجاد می کند. یعنی با اخراج ۳۰ هزار کارگر اتومبیل سازی آمریکا و کانادا، بیش از ۲۰۰ هزار کارگر صنایع دیگر بی کار می شوند و این ضربه بسیار بزرگی به شرایط دشوار کار و زندگی طبقه کارگر آمریکای شمالی وارد خواهد کرد.

(ادامه در صفحه ۳)

تظاهرات علیه مراکز آموزش شکنجه در آمریکا

در روزهای ۱۹ و ۲۰ نوامبر بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از روشنفکران و دانشجویان و توده های آگاه آمریکایی در اعتراض به وجود یک مرکز تدریس شکنجه تحت نام "انسنتیوی همکاری امنیتی نیم کره غربی" و دیگر مراکز آموزش شکنجه آمریکا، در تظاهراتی در "فورت بنینگ" (ایالت جورجیا) شرکت کردند. تظاهرکنندگان نام های هزاران نفر از اهالی آمریکای لاتین را که در عملیات نظامی آمریکا علیه انقلابیون آرژانتین،

کلمبیا، نیکاراگوئه، السالوادور، گواتمالا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین کشته و یا ناپدید شده بودند را بر روی صلیب هایی حک کرده و حمل می کردند. در جریان این حرکت، بازماندگان آن کشته شدگان و همچنین بازماندگان سربازان آمریکایی که در عراق و افغانستان کشته شده اند به سخنرانی علیه دولت آمریکا پرداختند. چندین نفر از کسانی که در زندانهای آمریکای لاتین توسط فارغ التحصیلان آموزشگاه های شکنجه آمریکا، شکنجه شده بودند نیز با نقل تجارب خویش به افشاگری در باره ماهیت ضدخلقی این نهادها پرداختند.

در جریان این اعتراض ۴۱ تن از تظاهرکنندگان توسط پلیس دستگیر شدند و علیرغم اینکه هیچ نوع خشونت در این تظاهرات صورت نگرفته بود، به ماه ها زندان و جرایم سنگین محکوم گردیدند.

لازم به توضیح است که دولت آمریکا در سالهای ۱۹۶۰ موسسه ای را به نام "مدرسه آمریکا" دائر کرد که یکی از مخوف ترین مراکز آموزشی سی آی ای می باشد. این مرکز تاکنون ۲ نسل از جنایتکارترین دیکتاتورهای نظامی و شکنجه گران آمریکای لاتین را آموزش داده است و نقش مهمی را در حمایت امپریالیسم آمریکا از رژیمهای وابسته در آمریکای لاتین و سرکوب جنبش انقلابی مردم این منطقه ایفاء می کند.

در سال ۱۹۹۹ یکی از کتاب های آموزش شکنجه که در این موسسه تدریس می شد به روزنامه ها درز پیدا کرد. مجلس آمریکا هراسان از جو خشم و نفرت ایجاد شده در جامعه، با ارائه یک لایحه قانونی ظاهراً در صدد بستن این موسسه برآمد. اما این اقدام توسط یکی از کمیته های مجلس متوقف شد. پس از آن پنتاگون در سال ۲۰۰۲ با هدف فریب افکار عمومی، این موسسه را به اسم دهن پرکن "انسنتیوی همکاری امنیتی نیم کره غربی" تغییر نام داد و نهاد نامبرده با اسم جدید به فعالیتهای سرکوبگرانه خویش ادامه داد.

اخباری از کردستان

موج جدید تشدید فشار و سرکوب و ترور و به بند کشیدن و اذیت و آزار توده ها و مخالفین حکومت در کردستان همچنان ادامه دارد. در تاریخ ۲۵ آبان ماه، مردم کرمانشاه جسد "شیخ حسن"، امام جمعه مسجد "محمد رسول الله" این شهر را به همراه جسد فرزندش محمد هاشم رستگار پس از ۳ ماه مفقودالثر بودن آنان در حیاط مسجد پیدا نمودند.

اجساد این روحانی سنی گرد و پسرش که با چاقو کشته شده بودند، به طرز فجیعی با اسید سوزانده شده بود.

در تاریخ اول آذر ماه نیز یکی از روزنامه نگاران سنندجی به نام احمدی که از سوی مقامات سرکوبگر حکومت در رابطه با شورشها و نا آرامیهای اخیر در شهرهای کردستان دستگیر شده بود، پس از بلا تکلیفی بسیار در اعتراض به عدم صدور قرار وثیقه توسط مقامات رژیم به اعتصاب غذا دست زد و دهان خود را دوخت. بنا به گزارش بستگان و نزدیکان احمدی، حال وی به خاطر اعتصاب غذا وخیم و وی از لحاظ جسمانی در وضعیت خطرناکی قرار گرفته است.

همچنین روز ۱۴ آذر ماه، اعلام شد که یک جوان سنندجی بنام پویا ابراهیمی در کلانتری ۱۳ شهر سنندج فوت کرد. فرمانده مزدور نیروی انتظامی سرکوبگر جمهوری اسلامی مدعی شد که این جوان سنندجی پس از دستگیر شدن و کشف حشیش در جیبهایش در یک فرصت مناسب، خود را با بند کفش در بازداشتگاه خفه کرده است. خیر فوق خشم مردم سنندج را نسبت به این واقعه برعلیه کاربدستان ضدخلقی جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر کردستان که بد طولایی در سرکوب و شکنجه و قتل مردم کردستان دارند، برانگیخته است.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

